

بررسی فرآیند هدایت تحصیلی نوین از منظر مشاوران مدارس^۱

مرتضی رضایی مدنی^۲ / آتوسا کلانترهرمزی*^۳ / ابراهیم نعیمی^۴

تاریخ دریافت: ۹۷/۸/۲۶

تاریخ پذیرش: ۹۸/۳/۶

چکیده

هدف: پژوهش حاضر با هدف بررسی فرآیند هدایت تحصیلی نوین در پایه نهم از منظر مشاوران مدارس دوره اول متوسطه انجام شد. روش‌شناسی: روش پژوهش حاضر کیفی و از نوع تحلیل مضمون است. جامعه مورد مطالعه شامل کلیه مشاوران مدارس در سال تحصیلی ۹۷-۹۶ و روش نمونه‌گیری از نوع هدفمند بود. به این صورت که از میان مشاوران مدارس تعداد ۱۰ نفر مشاور انتخاب شده که انتخاب نمونه و مصاحبه تا زمان اشباع داده‌ها ادامه یافت. برای جمع‌آوری داده‌ها از مصاحبه نیمه ساختاریافته استفاده گردید. تمام مصاحبه‌ها با کسب اجازه از شرکت‌کنندگان ضبط شده، سپس برای انجام تحلیل‌های بعدی، متن مصاحبه‌ها به‌دقت روی کاغذ پیاده شد و بعد از تم‌گذاری مضامین، به تحلیل مضامین و دسته‌بندی مقوله‌ها پرداخته شد. یافته‌ها: تحلیل یافته‌های حاصل از مصاحبه نیمه ساختاریافته منجر به شناسایی چهار مقوله اصلی شده است که عبارت‌اند از: (۱) نارسایی‌های فرآیند هدایت تحصیلی؛ (۲) مشکلات آزمون؛ (۳) آگاهی بخشی؛ (۴) ضرورت امکانات در اجرای بهینه. نتیجه‌گیری: بر اساس یافته‌های پژوهش می‌توان نتیجه گرفت که میان دستورالعمل ابلاغی وزارتخانه تا اجرای صحیح آن فاصله زیادی است و هدایت تحصیلی دانش‌آموزان نتوانسته آن چیزی که در آیین‌نامه مصوب شده است را به اجرا درآورد. لذا جهت آسیب‌شناسی فرآیند، بایستی نظرات اصلاحی مشاوران و متخصصان این حوزه را دریافت و به‌صورت کارشناسی فرآیند فعلی

۱- این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه علامه طباطبائی می‌باشد.

۲- دانش‌آموخته کارشناسی ارشد مشاوره مدرسه دانشگاه علامه طباطبائی. mo.rezaei54@yahoo.com.

۳- *استادیار گروه مشاوره دانشگاه علامه طباطبائی (نویسنده مسئول). at.kalantar@yahoo.com.

۴- استادیار گروه مشاوره دانشگاه علامه طباطبائی. naeimi@atu.ac.ir.

هدایت تحصیلی موردبررسی و تجدیدنظر قرار گیرد تا بتوان به بحث متوازن‌سازی مدنظر در سند تحول بنیادین دست یافت.

کلیدواژه‌ها: هدایت تحصیلی نوین، مشاوران مدارس.

مقدمه

تحصیل به‌عنوان یکی از مراحل مهم در زندگی هر فرد، مورد مطالعه روانشناسان و دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت قرار گرفته است (یسیل یاپارک^۱، ۲۰۰۷). با توجه به اهمیت دوره متوسطه تحقیقات صورت گرفته از مقطع دبیرستان (کیلیبی، ۱۹۶۹؛ سافولاهان، ۱۹۷۲؛ فافونوا^۲، ۱۹۶۲)، به‌طور مستند مسأله هدر رفت نیروی انسانی، شکست‌های آموزشی و انتخاب‌های هدایت نشده را اثبات و آشکار نموده است. صدها جوانی که هر ساله دبیرستان را ترک می‌کنند (این علاوه بر فارغ‌التحصیلان، شامل ترک تحصیل‌ها نیز می‌شود) در یافتن شغل و استفاده رضایت‌بخش از فرصت‌های اجباری ناتوان هستند.

در این میان توجه به نقش آموزش و پرورش در پیشبرد برنامه‌های اقتصادی به‌خصوص از جهت تأمین نیروی انسانی مناسب و مورد نیاز آن از جمله دلایل ایجاد تغییرات متعدد در ساختار نظام‌های آموزشی است. در اکثر کشورهای جهان، یکی از اهداف و دلایل قوی برای انجام این اصلاحات، کاهش فاصله میان دو نظام آموزشی و اقتصادی است. به همین جهت مرتبط کردن آموزش و پرورش به دنیای کار، هم در مدرسه و هم در خارج از آن از موضوع‌های مهمی است که باید مورد توجه برنامه ریزان و سیاست‌گذاران قرار گیرد. حجم سرمایه‌گذاری‌ها در آموزش و پرورش و دامنه‌ی تحقیقات و مطالعاتی که در راستای بهبود کیفیت آموزش و پرورش انجام می‌شود نشان می‌دهد که آموزش و پرورش در هدایت جریان توسعه جوامع به‌سوی تحقق اهداف آن نقش اساسی دارد. همچنین در تلاش برای بهبود وضعیت اشتغال جوانان و کاهش نرخ بیکاری در میان آنان و مرتبط ساختن هر چه بیشتر آموزش با نیازهای اقتصادی ضروری بوده و به‌عنوان یک هدف مهم در سیاست‌گذاری‌های آموزشی و اقتصادی مورد توجه قرار گرفته است (عزیزی، ۱۳۷۷).

اولین گام در انتخاب یک شغل، انتخاب یک برنامه آموزشی است. هر چند با تغییرات جهانی، انتخاب کردن سخت‌تر می‌شود. دلایلی برای این موضوع وجود دارد، یکی از این دلایل تمایل فرد به داشتن اختیار تصمیم‌گیری در زندگی اوست، دلیل دیگر افزایش فرصت برای تجربه انواع مختلفی از آزادی و آخرین دلیل، این که فرد باید مسئولیت تصمیماتی که اتخاذ می‌کند را بپذیرد. در جوامع مدرن و دمکراتیک مردم آزادند تا

1. Yesilyaprak

2. Kiilby, Sofolahan, fafuwa

درباره‌ی آینده خود تصمیم بگیرند و مسیر شغلی خود را تعیین کنند. آزادی فرد در انتخاب مسیر شغلی، واقعیت عضوی از جامعه پیشرفته بودن است (اوکسوز اوقلو^۱، ۲۰۱۶، ص ۳۰). برای یک فرد، کسب تحصیلات در یک رشته، مهارت‌ها، علایق و توانایی‌هایی را به همراه دارد که منجر به یک زندگی رضایت‌بخش، موفق و شاد می‌شود. از آنجایی که افراد علایق و توانایی‌های متفاوتی دارند پس هر شخص در حوزه‌های مختلفی می‌تواند موفق شود؛ بنابراین برای دانش‌آموزان، امکان کشف توانایی و علایق خود و هدایت شدن در مسیر شغلی و آموزش صحیح‌ترین اهمیت را دارد (ویلارد، بایس و مارتینز^۲، ۲۰۱۵). در جوامع کنونی برنامه‌های راهنمایی یکی از جنبه‌های اساسی آموزش و پرورش به شمار می‌آید (صافی، ۱۳۹۳). باتاچریا^۳ (۱۹۶۳) راهنمایی و هدایت تحصیلی را به‌عنوان آغاز همه هدایت‌ها توصیف می‌کند. به عقیده قاضی (۱۳۷۸) راهنمایی تحصیلی نباید به سال‌های معینی در حیات مدرسه‌ی فرد محدود شود. بلکه لازم است راهنمایی برای تمام افراد و در تمام سطوح آموزش و پرورش یعنی از کودکان تا پایان دانشگاه فراهم شود؛ بنابراین «راهنمایی پویایی است مداوم که باید از کودکان آغاز و تا دانشگاه ادامه یابد و لازم است دارای طرح کلی و واحدی باشد که به برنامه مدرسه پیوستگی داشته و از آن پیروی کند».

استرانگ^۴ (۱۹۶۴) هدایت تحصیلی را به‌عنوان فرایند کمک به دانش‌آموزان می‌داند که باید یک برنامه آموزشی مناسب را طرح‌ریزی نموده و در آن پیشرفت کنند. این برنامه شامل تصمیمات درباره‌ی رشته، انتخاب دوره و تحصیلات پیشرفته، یادگیری مهارت‌ها و سازگاری در مدرسه که در سطوح مختلفی در برنامه دبیرستان هستند، می‌باشد. منظور از راهنمایی تحصیلی کمک کردن به دانش‌آموزان در انتخاب دروس یا رشته‌های تحصیلی، آگاهی از مقررات امتحانی، برطرف کردن مشکلات درسی و خلاصه هر مسئله و مشکلی است که برای دانش‌آموزان امکان بروز در کلاس درس یا مدرسه را دارد (زندوانیان، کرمدوست و ابوالقاسمی، ۱۳۸۵)؛ اما هدف از راهنمایی و هدایت تحصیلی در دوره متوسطه، هدایت دانش‌آموزان به مناسب‌ترین شاخه یا رشته تحصیلی بر اساس استعداد و علاقه آنان و به تناسب امکانات و نیازهای کشور است (شکرکن؛ عطاری؛

1. Oksuzoglu
2. Willard, Bayes & Martinez
3. Bhattacharya
4. Strong

فلاحتی، ۱۳۷۸). راهنمایی و هدایت تحصیلی یک مفهوم جامعیت که مقدمه انتخاب شغل است. از طرف دیگر هدایت تحصیلی به جای فرآیند رشدی بیشتر مربوط به تصمیم‌گیری فردی است (یوستان^۱، ۲۰۰۷، ص ۶۴). علاوه بر این راهنمایی و هدایت تحصیلی، برای دانش‌آموزانی که به خاطر عملکرد تحصیلی ضعیف قصد ترک تحصیل دارند، بسیار مهم و سرنوشت ساز است. برای مثال در آمریکا تخمین زده می‌شود که هر روز ۷۲۰۰ دانش‌آموز ترک تحصیل می‌کنند (هر سال ۱/۳ میلیون نفر). همچنین انتظار می‌رود تا سال ۲۰۲۰، ۶۵ درصد مشاغل به مدرک تحصیلی (دیپلم) نیاز داشته باشند. وقتی که شمار دانش‌آموزانی که از دبیرستان ترک تحصیل می‌کنند بررسی می‌شود، یعنی ۱/۳ میلیون نفر در بازار کار به خاطر نداشتن مدرک تحصیلی دبیرستان، قادر به یافتن شغل نخواهند بود (ویلارد، بایس و مارتینز، ۲۰۱۵).

از نظر پراکتور^۲ (۱۹۲۵) و بری پیکی^۳ (۱۹۶۲)، مدرسه در درجه نخست می‌بایست شرایط آموزشی اساسی برای جایگاه شغلی مناسب ارائه نماید. راهنمایی و هدایت تحصیلی به‌عنوان فعالیت آموزشی که دارای حق تقدم و اولویت است توجه زیادی را به خود جلب کرده و به‌عنوان مبنایی برای هدایت شغلی بعدی به کار می‌رود (کلی^۴، ۱۹۱۴). واضح است که تأکید بر استفاده مثبت از مدرسه، ضروری‌تر از روش‌ها و جو آن برای بالفعل کردن پتانسیل‌های هر دانش‌آموز است. به‌عنوان مثال، هدف اصلی برنامه‌ی رشد ملی کشور نیجریه در سال‌های ۷۴-۱۹۷۰ در حوزه آموزش این بود که فرصت‌ها و تسهیلاتی را فراهم کنند که افراد را برای کشف توانایی‌هایشان قادر سازند و به آن‌ها کمک نمایند تا در فرایند رو به رشد، مؤثر باشند. این ایده جدید، بیانگر آن است که راهنمایی به جای تصور آموزش، به‌صورت تلاشی برای آموزشی جدید، متجلی شود و به جای فراهم کردن یک برنامه‌ی آموزشی، پاسخگوی یک نیاز باشد. علاوه بر این، احساس نیاز درباره راهنمایی در مناطق زیادی ایجاد شد و به تدریج منجر به این آگاهی شد که راهنمایی احتمالاً می‌تواند برخی از نیازهای فوری و مهمی که حاصل شرایط اجتماعی در حال تغییر مانند تغییر زندگی خانوادگی و کمبود نیروی انسانی در حوزه‌های مختلف می‌باشد را تأمین کند (فافونوا، ۱۹۶۲؛ کیلی، ۱۹۶۹؛ سافولاهان، ۱۹۷۲).

1.Ustun
2.Proctor
3.Berepiki
4.kelly

یکی از اهداف و وظایف مهم آموزش و پرورش ایجاد زمینه برای رشد همه جانبه فرد و تربیت انسانی سالم، کارآمد و مسئول برای ایفای نقش در زندگی فردی و اجتماعی است. در این راستا، مؤلفه‌ها و عناصر مختلفی تأثیرگذار هستند و برنامه‌ریزی‌ها و فعالیت‌های مختلفی نیز در این عرصه ضروری است. اگر دانش‌آموزان به صورتی درست و متعادل به رشته‌های تحصیلی هدایت نشوند، حاصلی جز سرگردانی، بی‌هدفی، اتلاف وقت و به هدر رفتن منابع جامعه ندارد. اهداف آموزش و پرورش زمانی محقق خواهد شد که برنامه‌ها و محتوای دروس متناسب با شناخت توانایی‌ها و رغبت‌های افراد و نیازها و امکانات جامعه و محدودیت‌های دانش‌آموزان تهیه و تدوین شوند.

بی‌گمان تطبیق توانایی‌ها و استعدادها با مشاغل مورد نیاز جامعه سبب کارایی و ثمربخشی بیشتر، بهبود کیفیت کار، موفقیت و رضایت او می‌شود (گاتفردسون، ۱۹۹۷). به بیان دیگر، برنامه‌ریز و مشاور باید بداند که چه «موضوعی» را با چه «شیوه‌ای» و برای چه «سنی» تهیه و تنظیم کند. این مسأله نیاز به راهنمایی و هدایت تحصیلی دارد.

با توجه به آنچه ذکر شد لزوم بررسی روش صحیح هدایت تحصیلی دانش‌آموزان، امری ضروری است که پژوهش‌ها نیز به آن اشاره می‌کنند. طالع زاری (۱۳۹۵) طی پژوهشی با عنوان «بررسی عوامل مؤثر بر هدایت تحصیلی و شغلی دانش‌آموزان نظام جدید متوسطه آموزش و پرورش»، به نقش وسایل ارتباط جمعی، برنامه‌های هفته مشاغل، مشاوران مدرسه، درس برنامه‌ریزی تحصیلی و شغلی، دوستان و آشنایان در آگاهی دادن و ایجاد رغبت‌های شغلی دانش‌آموزان اشاره می‌کند. همچنین انگیزه و علاقه‌مندی خود دانش‌آموز، تصورات او به درآمدزایی و نقش حمایت‌گری دولت در انتخاب رشته تحصیلی مؤثر یافته است. احمدی (۱۳۹۴) در مطالعه‌ای، به رابطه‌ی معنا دار هدایت تحصیلی نادرست و افت تحصیلی دانش‌آموزان، همچنین عدم ارتباط مؤثر مشاور با دانش‌آموزان و عدم ارزیابی دقیق و صحیح از استعدادهای دانش‌آموزان در فرآیند هدایت تحصیلی اشاره می‌کند و اقبالی (۱۳۹۳) تعیین رشته زود هنگام و مبتنی بر شناخت ناقص از خود، عدم تناسب سطح دشواری مواد درسی قبل و بعد از ورود به رشته، ناکارآمدی بانک اطلاعات تحصیلی و شغلی در مدراس و توزیع نامتوازن دانش‌آموزان مستعد در رشته‌های مختلف را از نقایص وضعیت هدایت تحصیلی می‌داند. اسماعیلی‌پور (۱۳۸۲)، انباشتگی

غیرمرتبط وظایف مشاور را عامل ضعف کیفیت خدمات مشاوره هدایت تحصیلی؛ و فولادی (۱۳۹۲) نبود و کمبود مشاور در مدارس را به عنوان یکی از چالش‌های مشاوره در مدارس ایران عنوان کرده‌اند. به عقیده مریدی (۱۳۸۵) ملاک نمرات درسی به عنوان مؤلفه هدایت تحصیلی، ملاکی ناکارآمد محسوب شده و قابلیت پیش‌بینی دقیق موفقیت تحصیلی در رشته آینده را ندارد.

اکنون با اجرای ساختار نظام آموزشی ۳-۳-۶ در پایان دوره متوسطه اول (سال نهم)، دانش‌آموزان می‌بایست انتخاب رشته انجام داده و سال دهم را در یکی از رشته‌های علوم انسانی، ریاضی و فیزیک، علوم تجربی و معارف اسلامی و یا رشته‌های فنی و حرفه‌ای و یا کاردانش ادامه دهند (ایزدی، ۱۳۹۵). به هنگام ورود اولین گروه از دانش‌آموزان نظام جدید متوسطه به پایه تازه تأسیس دهم، برای نخستین بار «هدایت تحصیلی دانش‌آموزان» با شکل و شرایط جدیدی کلید خورد و ورودی‌های پایه دهم، با دریافت توصیه‌نامه‌ای متفاوت با انواع مشابه سال‌های قبل که در پایان دوره راهنمایی به دانش‌آموزان داده می‌شد، وارد دوره دوم متوسطه شدند. طرح جدید هدایت تحصیلی که با هدف متوازن ساختن خروجی‌های متوسطه و همگن‌سازی نیازهای جامعه با فارغ‌التحصیلان دانشگاهی و با صرف ده‌ها ساعت کار کارشناسی و فکری کارشناسان آموزشی و مشاوره وزارت آموزش و پرورش اجرا شد، با چالش‌های فراوان به‌ویژه از سوی اولیاء مواجه گردید (زرافشان، ۱۳۹۵). این طرح هدایت تحصیلی پس از ۲۳ سال قرار بود دوباره برای دانش‌آموزان پایه نهم انجام شود. حدود یک میلیون دانش‌آموز این پایه از تاریخ ۱۸ تیر ۱۳۹۵ با مراجعه به مدارس نسبت به انتخاب رشته تحصیلی اقدام کردند. مطابق با آیین‌نامه جدید هدایت تحصیلی، دیگر همانند گذشته نمرات تحصیلی ملاک اصلی انتخاب رشته دانش‌آموزان نیست بلکه آزمون‌های سنجش استعداد، رغبت و نظر مشاوران مدارس نیز سهم به‌سزایی دارد. تصویب این آیین‌نامه باعث اعتراضاتی از سوی دانش‌آموزان پایه نهم در روند انتخاب رشته شده است به گونه‌ای که برخی از این افراد با معدل بالای ۱۹ برای ورود به رشته ریاضی یا تجربی مجاز شناخته نشده‌اند و مجبورند یا در رشته انسانی ادامه تحصیل دهند یا در رشته‌های فنی و حرفه‌ای و کار و دانش درس بخوانند. طی دومین سال اجرای هدایت تحصیلی نوین در سال ۱۳۹۶، کلیه امور مربوط به آن به صورت اینترنتی آغاز گردید و با وجود برنامه‌ریزی صورت گرفته توسط آموزش و پرورش، همچنان

نارسایی‌های آن و نارضایتی دانش‌آموزان از روند اجرا و همچنین اعتراض و نارضایتی مشاوران مدارس و مدیران به جهت وجود مشکلات عدیده در انجام آزمون‌های مشاوره‌ای مربوط به دانش‌آموزان و ثبت اطلاعات مربوطه وجود دارد. با توجه به مطالب ذکر شده، رسالت خطیر برنامه هدایت تحصیلی در نظام آموزش و پرورش و اشاره اجمالی به نواقص و آسیب‌های این برنامه، ضرورت بررسی و مشخص نمودن فرآیند هدایت تحصیلی و همچنین تحلیل و برآورد نواقص و آسیب‌های هدایت تحصیلی کنونی را روشن می‌سازد. در شرایطی که سیاست‌گذاری‌های کلان در آموزش و پرورش بر تحول در برنامه هدایت تحصیلی تأکید دارد، انجام پژوهش‌هایی بدین منظور بیش‌ازپیش ضرورت می‌نماید. لذا این پژوهش با هدف مشخص ساختن «فرآیند هدایت تحصیلی نوین در پایه نهم دوره اول متوسطه از منظر مشاوران مدارس» انجام شد.

روش پژوهش

روش پژوهش حاضر، کیفی و از نوع تحلیل مضمون می‌باشد. به این ترتیب که پس از مصاحبه با مشارکت‌کنندگان و بررسی متن مصاحبه‌ها، داده‌های متنوع به داده‌های تفصیلی تبدیل شده و طبقه‌بندی مقولات اصلی و فرعی بر اساس تحلیل مضامین (تم‌ها) صورت گرفت. جامعه مورد مطالعه شامل کلیه مشاوران مدارس که در سال تحصیلی ۹۷-۹۶، کاملاً درگیر در فرآیند انتخاب رشته و هدایت تحصیلی بودند و روش نمونه‌گیری از نوع هدفمند بود. به این صورت که انتخاب نمونه و مصاحبه تا زمان اشباع داده‌ها ادامه یافت و در نهایت پس از مصاحبه با ۱۰ نفر از مشاوران مدارس که در متوسطه اول مشاور بودند، داده‌ها به اشباع رسید. برای جمع‌آوری داده‌ها از مصاحبه نیمه ساختاریافته استفاده شد. بدین صورت که چند سؤال محوری به عنوان مبنای مصاحبه مد نظر قرار گرفت. ضمن آن که برخی از سؤالات به صورت پیش‌بینی نشده و بر اساس پاسخ‌های مشارکت‌کنندگان به شیوه‌ی اکتشافی پرسیده شد. بدین ترتیب سؤالات محوری مورد نظر در پژوهش به شرح زیر بود:

- ۱- فرآیند هدایت تحصیلی که در حال حاضر اجرا می‌شود چگونه به رشد تحصیلی دانش‌آموزان و ادامه شغل آینده آنان کمک می‌کند؟ ۲- سازوکارهای به کارگرفته در این فرآیند را چگونه مناسب می‌دانید؟ (دوره، پایه، سیستمی کردن کار، اتوماسیون بودن هدایت و خودشناسی).
- ۳- فرآیند فعلی هدایت تحصیلی در رشد دانش‌آموزان تسهیل‌کننده می‌دانید یا بازدارنده؟ ۴- فرآیند هدایت تحصیلی فعلی با گذشته چه تفاوتی

دارد؟ ۵- انتقال هدایت تحصیلی از دوره متوسطه دوم به متوسطه اول چگونه ارزیابی می‌کنید؟

جهت اجرای پژوهش نیز ابتدا پس از دریافت معرفی‌نامه از دانشگاه، به اداره کل آموزش و پرورش شهرستان‌های استان تهران مراجعه و اقدام به دریافت مجوز نموده و سپس با معرفی‌نامه از اداره کل به اداره آموزش و پرورش شهرستان ملارد مراجعه شد. پس از آن لیست مدارس که پایه نهم داشتند را اخذ نموده و به مشاوران این مدارس که به هدایت تحصیلی در پایه نهم می‌پرداختند، مراجعه شد. سپس با مشاوران مایل به همکاری، مصاحبه صورت گرفت. حدود زمان تقریبی هر مصاحبه در یک جلسه ۴۵ دقیقه بود که از ۳ مشاور زن و ۷ مشاور مرد در مجموع ۵۰۰ دقیقه مصاحبه گرفته شد. تمام مصاحبه‌ها با کسب اجازه از شرکت‌کنندگان ضبط گردید، سپس برای انجام تحلیل‌های بعدی، متن مصاحبه‌ها به دقت روی کاغذ پیاده شد و بعد از تم‌گذاری مضامین، به تحلیل مضامین و دسته‌بندی مقوله‌ها پرداخته شد. لازم به ذکر است که برای محفوظ ماندن مشخصات آزمودنی‌ها، برای شرکت‌کنندگان در مصاحبه نام مستعار (شماره ۱ و ۲ و...) در نظر گرفته شد.

یافته‌ها

در این مطالعه، مجموعاً با ۱۰ نفر از مشاوران مدارس متوسطه اول مصاحبه نیمه ساختاریافته به عمل آمد. در ادامه، ابتدا اطلاعات جمعیت‌شناسی گروه مورد مطالعه پژوهش ارائه و پس از آن بر اساس روش تحلیل مضامین، یافته‌های حاصل از مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته ارائه شده است.

جدول شماره ۱. توزیع فراوانی افراد نمونه بر اساس جنسیت

متغیر	فراوانی	درصد
جنسیت مرد	۱۲	۸۰٪
زن	۳	۲۰٪
جمع کل	۱۵	۱۰۰

طبق اطلاعات جدول شماره ۱، در مجموع ۸۰ درصد از افراد شرکت‌کننده در پژوهش مرد و ۲۰ درصد آن‌ها زن می‌باشند.

جدول شماره ۲. شرکت‌کنندگان در مصاحبه

کد مصاحبه	سمت	رشته تحصیلی	گرایش تحصیلی	دانشگاه محل تحصیل	سابقه‌ی خدمت	سابقه‌ی مشاوره‌ای
۱	مشاور	ارشد مشاوره	خانواده	علامه طباطبائی	۲۰	۲۰
۲	مشاور	دکترای روانشناسی	روانشناسی تربیتی	علامه طباطبائی	۱۰	۱۰
۳	مشاور	ارشد روانشناسی	روانشناسی عمومی	آزاد رودهن	۲۰	۲۰
۴	مشاور	ارشد مشاوره	خانواده	شهید بهشتی	۸	۸
۵	مشاور	روانشناسی	روانشناسی عمومی	آزاد شیراز	۱۸	۱۸
۶	مشاور	ارشد روانشناسی	روانشناسی شناختی	پژوهشکده علوم شناختی تهران	۸	۸
۷	مشاور	کارشناسی مشاوره	مشاوره و راهنمایی	آزاد اسلامشهر	۱۰	۱۰
۸	مشاور	ارشد روانشناسی	روانشناسی عمومی	آزاد	۱۴	۱۴
۹	مشاور	ارشد مشاوره	توان‌بخشی	علوم بهزیستی و توان‌بخشی	۱۸	۸
۱۰	مشاور	کارشناسی مشاوره	مشاوره و راهنمایی	گیلان	۷	۷

جدول شماره ۳. مقولات اصلی و فرعی استخراج شده از مصاحبه با مشاوران

مقوله اصلی	مقوله فرعی	فراوانی مقوله فرعی
	۱- نامناسب بودن متوسطه اول برای انتخاب رشته	۶
	۲- وزنه سنگین عملکرد تحصیلی	۵
	۳- هدایت تحمیلی به جای هدایت تحصیلی	۴
	۴- نبود آمایش سرزمین	۲
نارسایی‌های فرآیند هدایت تحصیلی	۵- نداشتن چارچوب مشخص	۱
	۶- عدم انطباق معیارهای انتخاب رشته	۱
	۷- عدم تطابق فرآیند با واقعیت‌های موجود در مدارس	۱
	۸- عدم گرفتن بازخورد از موفقیت فرآیند	۱
	۹- عدم ارتباط قوی بین مسئولین ستادی با مدارس	۱
	۱۰- عدم پایداری مسئولین ستادی به دستورالعمل ارسالی خودشان	۱

۵	۱- عدم دسترسی به تفسیر آزمون		
۵	۲- عدم زمان کافی برای آماده سازی شرکت در آزمون		
۴	۳- عدم نظارت بر اجرای آزمون	مشکلات آزمون	
۳	۴- ابهام در برخی سؤالات آزمون		
۳	۵- انجام مرحله‌ای آزمون‌ها		
۲	۶- طولانی بودن سؤالات آزمون		
۱- لزوم خودشناسی (لزوم تقدم خودشناسی به خود فرآیند)			
۲	۲- ابهام در تغییر رشته		
۲	۳- ارزیابی آگاهی از چگونگی انتخاب	آگاهی بخشی	
۱	۴- ابهام مشاور در نقش خود		
۱	۵- سردرگمی عوامل انسانی درگیر در این فرآیند		
۱	۶- لزوم تأسیس بانک اطلاعاتی در مدرسه یا اداره		
۱	۷- لزوم گنجاندن اطلاعات موردنیاز در صفحه‌ی شخصی دانش‌آموز		
۱- لزوم تجهیزات در اجرای بهینه فرآیند			
۹	۲- عدم اجرای درست فرآیند		ضرورت امکانات در
۴	۳- عدم کفایت فعالیت‌های آگاهی بخشی شغلی	اجرای بهینه	
۲	۴- عدم تنوع در رشته‌ها		

بحث و نتیجه‌گیری

تحلیل یافته‌های حاصل از مصاحبه نیمه ساختاریافته در زمینه سؤال پژوهش مبنی بر «فرآیند هدایت تحصیلی نوین در متوسطه اول از منظر مشاوران»، منجر به شناسایی چهار مقوله اصلی شد که عبارت‌اند از: ۱) نارسایی‌های فرآیند هدایت تحصیلی؛ ۲) مشکلات آزمون؛ ۳) آگاهی بخشی؛ ۴) ضرورت امکانات در اجرای بهینه. همچنین بررسی یافته‌های حاصل از مصاحبه نشان داد که هریک از این مقوله‌ها خود دارای مقولات فرعی هستند. مقوله نارسایی‌های فرآیند هدایت تحصیلی، دارای ۱۰ مقوله فرعی؛ مقوله مشکلات آزمون، دارای ۶ مقوله فرعی؛ مقوله آگاهی بخشی، دارای ۷ مقوله فرعی و مقوله ضرورت امکانات در اجرای بهینه، دارای ۴ مقوله فرعی بوده که در جدول شماره ۳، به آن‌ها اشاره شده است. همان‌طور که یافته‌های مقوله اول نشان می‌دهد؛ نامناسب بودن متوسطه اول برای انتخاب رشته، وزنه سنگین عملکرد تحصیلی و هدایت تحصیلی به جای هدایت تحصیلی، بیشترین فراوانی را به ترتیب دارا هستند. در مقوله دوم، عدم دسترسی به تفسیر آزمون، عدم

زمان کافی برای آماده سازی شرکت در آزمون، عدم نظارت بر اجرای آزمون، ابهام در برخی سؤالات آزمون؛ در مقوله سوم، لزوم خودشناسی (لزوم تقدم خودشناسی به خود فرآیند) و ابهام در تغییر رشته و در مقوله چهارم، لزوم تجهیزات در اجرای بهینه فرآیند و عدم اجرای درست فرآیند، مواردی هستند که با بیشترین فراوانی جای بحث دارد. این یافته‌ها با پژوهش اقبالی (۱۳۹۳) و مریدی (۱۳۸۵) همسو می‌باشد که در تشریح نقایص هدایت تحصیلی بیان داشته‌اند؛ تعیین رشته زود هنگام و مبتنی بر شناخت ناقص از خود، عدم تناسب سطح دشواری مواد درسی قبل و بعد از ورود به رشته، ناکارآمدی بانک اطلاعات تحصیلی و شغلی در مدراس و توزیع نامتوازن دانش آموزان مستعد در رشته‌های مختلف و ملاک نمرات درسی به عنوان مؤلفه هدایت تحصیلی، ملاکی ناکارآمد محسوب شده و قابلیت پیش‌بینی دقیق موفقیت تحصیلی در رشته آینده را ندارد. در این زمینه به عنوان مثال، یکی از مصاحبه‌شوندگان این‌طور عنوان می‌کند که: « یکی از روش‌های انتخاب رشته داشتن اطلاعات کامل و یا الگوبرداری، خیلی از دانش‌آموزانی که در دوره متوسطه دوم بودند را بچه‌ها به عنوان الگو انتخاب می‌کردند، درس‌ها تخصصی‌تر بودند و سختی و آسانی درس‌ها مدنظر بود حتی رشته‌های دانشگاهی آنجا بیشتر مطرح بود ولی امروزه متأسفانه در دوره متوسطه اول همچین اتفاقی نمی‌افتد». با توجه به نتایج این پژوهش، مشاوران مدارس در خصوص نارسایی‌های فرآیند هدایت تحصیلی، به نامناسب بودن متوسطه اول برای انتخاب رشته اشاره نمودند که دانش‌آموزان باید در پایان سال نهم اقدام به انتخاب رشته کنند و این مربوط به تغییر ساختار نظام آموزشی به نظام ۳-۳-۶ می‌باشد. صرف نظر از تغییر ایجاد شده (که در اصل فرآیند، تغییری ایجاد نکرده است) این نوع ورود به رشته تحصیلی دو اشکال را در بردارد. اولاً برخلاف سابق که دانش‌آموزان در پایان پایه دهم انتخاب رشته می‌نمودند و همین حضور دانش‌آموزان در متوسطه دوم، امکان مشاهده و فرصت پرس‌وجو در رشته‌های مختلف و کسب اطلاعات از دانش‌آموزان پایه‌های بالاتر و دبیران تخصصی در هر رشته را برای آن‌ها فراهم می‌ساخت، حال این شرایط از دانش‌آموزانی که در متوسطه اول هستند سلب شده و فرصت آزمون و خطا برای شناسایی استعدادها و علایق از یک طرف و عدم تجارب کافی برای شناخت رشته‌های تحصیلی و نیز شناخت شایستگی‌های خود موجب انتخاب ناآگاهانه در آن‌ها می‌شود. ثانیاً

دانش آموز به لحاظ روانشناختی در دوره آزمون مشاغل به سر می‌برد و از واقع بینی در انتخاب رشته فاصله دارد.

سینک^۱ (۲۰۰۵) به نقل از نایلس و هریس-بالسی^۲ (۲۰۰۲) عنوان می‌کند؛ دوره راهنمایی یک دوره انتقال است. یکی از اهداف دوره راهنمایی این است که دانش آموز خودش را بشناسد و از دنیای کار، آگاه شود، سپس این یادگیری را در بقیه‌ی دوران تحصیل به یک برنامه تحصیلی تبدیل کند. فرصت‌های یادگیری که در اختیار دانش آموز قرار داده می‌شود، توانایی کاوش انواع گزینه‌های تحصیلی و حرفه‌ای را به او می‌دهد. ضمناً دانش آموزان مقطع راهنمایی فرآیند برنامه‌ریزی حرفه‌ای را آغاز خواهند کرد و آن را با دنیای کار مرتبط خواهند نمود. سینک (۲۰۰۵) معتقد است دوره راهنمایی، دوره بحرانی و مهمی از جهت کشف و کاوش فرصت‌های حرفه‌ای و تحصیلی برای دانش آموزان است. تجربه‌آموزی دانش آموزان در این دوره، آن‌ها را برای اجرای برنامه‌ها، فعالیت‌ها و اقدامات دوره دبیرستان آماده می‌کند.

اسکندری (۱۳۹۶) و احدی (۱۳۹۶) در تحقیق خود، یکی از چالش‌های پایدار برنامه رسمی هدایت تحصیلی را آشنا نبودن دانش آموزان با شرایط عملی اشتغال می‌دانند. اسکندری در ادامه عنوان می‌کند، برخی از دانش آموزان با نگاهی غیرواقعی، به مشاغل خاصی تمایل پیدا کرده و رشته انتخابی تحصیل خود را در راستای آن شغل برمی‌گزینند و ممکن است در آینده از انتخاب خود پشیمان شوند، لذا آن‌ها نیازمند آشنا شدن بیشتر با شرایط عملی و واقعی مشاغل هستند.

در خصوص نارسایی دیگر هدایت تحصیلی، به «وزنه سنگین عملکرد تحصیلی» و «هدایت تحصیلی به جای هدایت تحصیلی» اشاره شده است. این مقوله‌ها در مصاحبه مشاوران به ترتیب ۵ و ۴ مورد عنوان شده است که به اظهارات یکی از آن‌ها اشاره می‌شود؛ «عملکرد تحصیلی در اصل تعیین کننده است، وقتی نمره نوسان داشته باشد کلاً هدایت تحصیلی بی‌تأثیر می‌شود»، «اما چیزی که بیشتر مدنظر قرار گرفته، نمرات تخصصی دروس است و متأسفانه هر سال مبنای دروس داره تغییر می‌کنه». مطابق دستورالعمل هدایت تحصیلی، عملکرد تحصیلی دانش آموز، ۳۵ امتیاز از ۱۰۰ امتیاز هدایت تحصیلی را به خود اختصاص داده است. نمره‌ی همه دروس در این امتیاز سهم دارد، اما وزن هر درس

1.Sink, Christopher A

2.Niels and Harris.balsby

در رشته‌ها و شاخه‌های تحصیلی یکسان نیست. ممکن است دانش‌آموزی دارای معدل بالا باشد اما در درس‌های مرتبط با رشته موردنظرش، نمره کمتری کسب کرده باشد (زرافشان، ۱۳۹۵). در واقع فرم ۷ هدایت تحصیلی که نتیجه نهایی انتخاب رشته دانش‌آموزان را بر اساس ۱۲ رشته اولویت‌بندی می‌کند، صرفاً متأثر از عملکرد تحصیلی دانش‌آموز در سه سال دوره متوسطه اول می‌باشد. همین فرم نیز ملاک اصلی ثبت‌نام دانش‌آموز در پایه دهم می‌باشد. این در حالی است که فرم شماره ۶ هدایت تحصیلی بر اساس همه ملاک‌های هدایت تحصیلی که در مجموع ۱۰۰ امتیاز می‌باشد، صادر می‌شود و متأسفانه صرفاً جنبه آگاهی بخشی به دانش‌آموز در خصوص ترتیب اولویت‌ها را دارد و برای ثبت‌نام در پایه دهم ملاک نمی‌باشد. در همین خصوص زرافشان (۱۳۹۵) بیان می‌کند: در مواد ۹۶ تا ۱۰۰ آئین‌نامه آموزشی دوره متوسطه دوم آمده است: هدایت تحصیلی بر اساس چهار عامل (استعداد، علاقه، نیاز و امکانات کشور) انجام می‌شود. از این چهار عامل، دو عامل (استعداد و علاقه) به دانش‌آموز و دو عامل (نیازهای شغلی و امکانات کشور) به جامعه مربوط می‌شود. در نقد این بیان زرافشان، احدی (۱۳۹۶) به این موضوع اشاره می‌کند که در اینجا مفهوم «نیاز» به نیازهای شغلی جامعه در آینده و مفهوم «امکانات» به امکانات و منابع در دسترس آموزش و پرورش اشاره می‌کند؛ بنابراین، تعیین رشته تحصیلی به معنای انتخاب رشته از سوی دانش‌آموز نیست، بلکه با ملاحظه نیازها و امکانات انجام می‌شود. در واقع یافته احدی تأییدی بر یافته این پژوهش مبنی بر هدایت تحصیلی به جای هدایت تحصیلی می‌باشد.

همچنین زعفری (به نقل از؛ زرافشان، ۱۳۹۵) بیان می‌دارد: «در هدایت تحصیلی دو نکته وجود دارد؛ اول خود هدایت است. اشکال ما در هدایت تشریحی، الزام آن بود. خداوند با همه خداوندی‌اش می‌گوید: «یا أَيُّهَا الرَّسُولُ، بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ». خداوند الزام نمی‌کند که حتماً همه باید شکرگزار و مسلمان باشند. هدایت تحصیلی امسال این اشکال را داشت که اجبار در آن بود. دقیقاً یک برگه به ولی دانش‌آموز داده می‌شد که مثلاً به رشته تجربی مدرسه فلان برود. دانش‌آموز اصلاً رشته تجربی را دوست نداشت و برای این رشته باید به مدرسه‌ای دورتر از محل زندگی‌اش هم می‌رفت. این اجبار، مخالفت همه را برانگیخت».

اقبال (۱۳۹۳) نیز در مطالعه خود، تأثیر عملکرد تحصیلی در هدایت تحصیلی را عامل آسیب‌زا می‌داند. وی این عامل آسیب‌زا را به فرآیند ارزشیابی و نمره دهی در نظام آموزشی مربوط دانسته و اشاره می‌کند که متأسفانه روش‌های کمی، مبتنی بر آزمون و مسابقه است و شایستگی‌های دانش‌آموزان را در یک مدت کوتاه و با مقیاس‌های عددی می‌سنجد. اگرچه نمرات دانش‌آموزان می‌تواند یک عامل کمکی برای ارزیابی استعدادها تلقی گردد، اما برای این مهم، کفایت نمی‌کند.

از جمله نتایج دیگر به دست آمده در این پژوهش که منجر به شناسایی مقوله مربوط به مشکلات آزمون شده است عبارت‌اند از: ابهام در برخی سؤالات آزمون، عدم دسترسی به تفسیر آزمون‌ها، عدم زمان کافی برای آماده سازی شرکت در آزمون و عدم نظارت بر اجرای آزمون‌ها. در خصوص این مقوله به متن بعضی از اظهارات مصاحبه‌شوندگان اشاره می‌کنیم. «آزمون‌های استعداد و رغبت سال گذشته تفسیرش برمی‌گشت، ما به تفسیری داشتیم که دوباره هر موقع نیاز بود رجوع می‌کردیم و به دانش‌آموزان اطلاعات می‌دادیم حتی سال‌های بعد. ولی الان تفسیرها رود اختیار نداریم»، «یک پروسه زمانی محدود رو توش قرار میدن به نظر من آگه مثلاً بیان بگن از اول سال مثلاً برج هفت مهر ماه شما فرصت دارین تو این زمینه این آزمون‌ها رو به دانش‌آموزان معرفی کنید». مشاوران مدارس به عنوان مجریان اصلی در اجرای طرح هدایت تحصیلی به دلایل گوناگونی از اجرای صحیح طرح بازماندند. دلایل مؤید بر این موضوع را می‌توان در کمبود نیروی مشاور در مدرسه، کمبود امکانات و تجهیزات در اجرای طرح، محدودیت دانش‌آموزان در ویرایش پاسخ‌های خود، ناپایداری در سامانه الکترونیکی همگام و عدم پشتیبانی در دسترس و دقیق، عدم همکاری سایر نیروهای دخیل بر طرح و نظارت ناکافی در روند اجرای آزمون‌ها و در نهایت عدم ارائه نتیجه و تفسیر آزمون به مشاوران و دانش‌آموزان دانست. اسکندری (۱۳۹۶)، در مطالعه خود ضمن اشاره به محدودیت زمانی مشاوران در مدارس، بیان می‌کند تنها بخشی از زمان و منابع مشاوره می‌تواند در خدمت هدایت تحصیلی قرارگیرد و در حال حاضر نیاز دانش‌آموزان بیش از توان و منابع در دسترس مشاور می‌باشد. فولادی (۱۳۹۵)، نبود و کمبود مشاور تمام وقت در دوره‌های تحصیلی، مشکل کمبود وقت برای ارائه خدمات مشاوره ای به دلیل نسبت دانش‌آموزان به مشاور (و

تخصیص بخشی از ساعات موظف به تدریس) و نبود اعتبارات لازم برای پشتیبانی بهینه از فعالیت‌های مشاوره را از چالش‌های مشاوره در آموزش و پرورش ایران می‌داند.

از طرفی طولانی بودن سؤالات آزمون که با یافته نسیمی (۱۳۹۵)؛ مبنی بر اینکه اجرای آزمون بسیار طولانی استعداد تحصیلی به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های مهم در انتخاب رشته، موجب خستگی جسمی، ذهنی و پاسخگویی بدون دقت و تمرکز دانش‌آموزان شد، همسو است. در طول انجام آزمون رغبت و توانایی در سامانه اینترنتی همگام، طولانی بودن سؤالات، امکان انجام صحیح آزمون را چه به‌صورت مداد کاغذی و چه به روش آنلاین با مشکل مواجه نموده و منجر به مراجعه تعداد خیلی زیادی از دانش‌آموزان به کافی‌نت‌ها و حتی عدم موفقیت در به پایان رساندن آزمون بود و بعضاً افرادی غیر از خود دانش‌آموز اقدام به پاسخگویی به آزمون‌ها نمودند. مطابق یافته‌های پژوهش، عدم روایی و پایایی آزمون رغبت و توانایی نیز مورد تردید است.

یافته احدی (۱۳۹۶) نیز قابل ملاحظه است که این‌گونه نگاشته، ابزارها و روش‌های معرفی شده برای سنجش استعداد و رغبت تحصیلی دانش‌آموزان نه تنها از ویژگی‌های مطلوب برخوردار نیستند، بلکه اندازه‌های حاصل از اجرای این ابزارها نیز قابل اعتماد نیستند. نه تنها درباره مناسب بودن ابزارهای اندازه‌گیری استعداد و رغبت تحصیلی، بلکه درباره مناسب بودن فرآیند سنجش این متغیرها نیز تردید جدی وجود دارد. مشاوران بدون توجه به آمادگی ذهنی، روانی و صرفاً بر اساس سلیقه و حوصله خود، ساعتی را برای اجرای آزمون‌ها اختصاص می‌دهند. معمولاً دانش‌آموزان درباره چرایی، چگونگی و نتیجه آزمون‌ها به اندازه کافی توجیه نیستند. در نتیجه، ممکن است حتی آن را جدی نگیرند و نیمه‌کاره رها کنند.

گیسون و میشل (۱۹۹۴)؛ ترجمه باقر ثنایی، (۱۳۷۶) اظهار می‌دارند، استفاده از آزمون‌های استعداد می‌تواند به شناسایی توانایی‌های بالقوه‌ای که شخص از آن‌ها آگاهی ندارد؛ ایجاد انگیزه‌ی رشد توانایی‌های خاص یا بالقوه اشخاص؛ تدارک اطلاعاتی که شخص را در تصمیم‌گیری تحصیلی یا شغلی و یا در انتخاب از بین فرصت‌های موجود کمک کند؛ پیش‌بینی سطح موفقیت تحصیلی یا شغلی که شخص می‌تواند انتظار داشته باشد؛ و گروه‌بندی افراد بر اساس استعدادهای مشابه جهت کمک به رشد و یا دیگر هدف‌های آموزشی، کمک کند؛ اما لازم به تأکید است که این‌ها فقط کاربردهای بالقوه

است و تنها در شرایط بهینه صورت می‌پذیرد. شرایطی که لازمه آن در درجه نخست استفاده از ابزارهای اندازه‌گیری مناسب و هماهنگ با نیازهای مراجع است. درحالی‌که معمولاً انتظار می‌رود شخص تفاوت‌های چشمگیری در انواع استعدادها و مختلف از خود بروز دهد، اما باید به این احتمال نیز توجه داشت که ممکن است «سطح نمره» شخص در یک آزمون استعداد در زمان‌های مختلف یکسان نباشد.

گیسون و میشل (۱۹۹۴) به نقل از برنارد مک‌کنا^۱ (۱۹۷۷) چنین خاطر نشان می‌کند: سؤال‌های آزمون‌ها بی‌جهت پیچیده و مستلزم دست‌کاری‌های متفاوت و بیش‌ازحد است یا گاهی راهنمای سؤال‌ها نیز مبهم است. نویدی (۱۳۹۶) ابزار سنجش مورد استفاده در هدایت تحصیلی را از عوامل خطر ساز و محافظت‌کننده هدایت تحصیلی ذکر می‌کند.

یافته دیگر پژوهش از مصاحبه با مشاوران مدارس، مربوطه به مقوله سوم هست که تحت عنوان آگاهی بخشی شناسایی و نام‌گذاری شد. در این مقوله به بحث مقولات مهمی از قبیل لزوم خودشناسی (لزوم تقدم خودشناسی به خود فرآیند)، ارزیابی آگاهی از چگونگی انتخاب، ابهام مشاور در نقش خود، سردرگمی عوامل انسانی درگیر در این فرآیند، لزوم تأسیس بانک اطلاعاتی در مدرسه یا اداره و لزوم گنجاندن اطلاعات مورد نیاز در صفحه‌ی شخصی دانش‌آموز می‌پردازیم.

یافته اسکندری (۱۳۹۶) حاکی از کمبود اطلاعات، عدم دسترسی یکسان دانش‌آموزان به اطلاعات شغلی و آشنا نبودن دانش‌آموزان با شرایط عملی اشتغال با یافته پژوهش حاضر مبنی بر ارزیابی آگاهی از چگونگی انتخاب، لزوم تأسیس بانک اطلاعاتی در مدرسه یا اداره و لزوم گنجاندن اطلاعات مورد نیاز در صفحه‌ی شخصی دانش‌آموز همخوانی دارد. در همین راستا کیامنش و همکاران (۱۳۷۳) به هنگام ارزشیابی جامع برنامه نظام جدید آموزش متوسطه، دریافتند که تعداد مشاوران و زمان اختصاص داده شده برای مشاوره کافی نیست و اطلاعات داده شده به دانش‌آموزان نتوانسته نیازهای اطلاعاتی آنان را برطرف کند و ۹۰ درصد دانش‌آموزان اطلاعات خود را کافی نمی‌دانند.

مقوله فرعی دیگر لزوم خودشناسی (لزوم تقدم خودشناسی به خود فرآیند) می‌باشد. این مورد با نابهنگام بودن انتخاب رشته در پایه نهم ارتباط دارد. صافی (۱۳۶۵) بیان می‌کند، در مقطع راهنمایی بایستی شرایطی فراهم گردد تا دانش‌آموزان در انتخاب رشته

1. Bernard Mackenna

تحصیلی یا اشتغال به کار راهنمایی شوند و توزیع دانش‌آموزان در رشته‌های مختلف متوسطه و در کار تولیدی بر اساس استعدادها و علائق شخصی پایه‌گذاری شود. موارد ذکر شده با یافته پژوهش حاضر مبنی بر نامناسب بودن متوسطه اول برای انتخاب رشته، همخوانی دارد.

آخرین یافته از سؤال اول پژوهش حاکی از آن است که فرآیند هدایت تحصیلی، از امکانات لازم در اجرای بهینه برخوردار نبوده است. متن بعضی از اظهارات مصاحبه‌شوندگان نیز مؤید این مقوله هست: «ببینید از لحاظ سیستمی کردن بسیار خوبه و خیلی کار ما رو روی نظم و انضباط خودش جلو می‌بره، اما نکته‌ای که هست ما باید بعضی شرایط رو توی این مقوله در نظر بگیریم. مثل اینکه تمامی دانش‌آموزان اشراف به کامپیوتر ندارند، نکته‌ی دوم کامپیوتری وجود ندارد، یا آگه بخوان کافی‌نت برن بحث هزینه‌اش مطرح می‌شه»، «معرفی مشاغل، امروزه متأسفانه کم‌رنگ شده، بردن دانش‌آموزان برای بازدیدهای شغلی (مشاغل خاص) کم‌رنگ شده، دعوت از افراد موفق در رشته‌های متفاوت کم‌رنگ شده چون بعضی مدیرها واقعاً همکاری نمی‌کنند». در واقع لزوم تجهیزات در اجرای بهینه فرآیند که شامل دسترسی همه مدارس به کامپیوتر و اینترنت جهت ارتباط با سامانه همگام (همه مراحل هدایت تحصیلی در همین سامانه صورت می‌پذیرد)، عدم کفایت فعالیت‌های آگاهی بخشی شغلی، عدم تنوع در رشته‌ها و عدم اجرای درست فرآیند منجر به شناسایی این مقوله شد.

در همین راستا یافته تحقیق اسکندری (۱۳۹۶) حاکی از آن است که یکی از چالش‌های عمده در رویارویی با برنامه هدایت تحصیلی، مسائل مرتبط با توزیع متوازن می‌باشد. اسکندری به نقل از دادار (۱۳۹۵) اظهار می‌دارد؛ یکی از شاخص‌هایی که در موضوع هدایت تحصیلی به تصویب رسیده است، شاخص توزیع متوازن دانش‌آموزان بین شاخه‌ها و رشته‌هاست. بر اساس این مصوبه، قرار است ۴۸/۲۶ درصد دانش‌آموزان در شاخه فنی و حرفه‌ای‌حرفه‌ای و کاردانش تحصیل کنند که از این نسبت باید ۲۸/۲۶ درصد در شاخه کاردانش و ۲۰ درصد در شاخه فنی و حرفه‌ای تحصیل کنند. وی در ادامه تأکید می‌کند، چنین برنامه‌ریزی اگرچه با نیاز جامعه ممکن است همسو باشد اما بستر لازم و امکانات لازم را در شرایط فعلی برای اجرا ندارد. دیده شده است پس از ورود دانش‌آموز به هنرستان و در مرحله انتخاب رشته تخصصی هنرستان به دلیل کمتر از حد نصاب بودن

افراد در برخی رشته آن‌ها با هم ادغام می‌شوند و فرد از ادامه مسیر در رشته دلخواه خود باز می‌ماند. به علاوه بسیاری از هنرستان‌های کشور از امکانات لازم برای ارائه رشته‌های مختلف برخوردار نمی‌باشند. دیگر اینکه به نظر می‌رسد فرصت‌های شغلی جامعه برای فارغ‌التحصیلان شاخه فنی و حرفه‌ای و کاردانش در چنین مقیاسی مهیا نمی‌باشد، هر چند که نیاز به مطالعه بیشتری در این زمینه هست.

همچنین عسگری و عابدی (۱۳۹۷) در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که یکی از عوامل مؤثر بر هدایت تحصیلی دانش‌آموزان، عوامل اجتماعی می‌باشد که تحت عنوان عوامل تسهیلگر و عوامل بازدارنده نام‌گذاری می‌کنند. عوامل تسهیلگر شامل اطلاع‌رسانی از طریق رسانه‌ها و مطبوعات و به‌روزرسانی شرایط شغلی مناسب با رشته‌های تحصیلی و عوامل بازدارنده شامل مشکلات اقتصادی، ساختار اقتصادی معیوب جامعه و فقدان آینده‌گری اقتصادی می‌باشد.

به‌طور کلی یافته‌های حاصل از مصاحبه با مشاوران در خصوص فرآیند هدایت تحصیلی نوین، نشان داد این فرآیند با وجود ادعای طراحان این طرح در وزارت آموزش و پرورش، مبنی بر اصلاح شیوه هدایت تحصیلی جهت رسیدن به توسعه متوازن در رشته‌ها و بالطبع تعدیل مشاغل در آینده، در کنار محاسنی نظیر درگیر شدن سایر عوامل انسانی در اجرای طرح، ایرادات اساسی نظیر نامناسب بودن دوره متوسطه اول برای انتخاب رشته، فقدان امکانات لازم برای اجرای الکترونیکی طرح، عدم فضا سازی و تمهیدات لازم برای افزایش هدایت دانش‌آموزان به رشته‌های فنی حرفه‌ای و کاردانش، وزنه سنگین عملکرد تحصیلی، عدم تطابق فرآیند با واقعیت‌های موجود در مدارس، عدم کفایت فعالیت‌های آگاهی بخشی شغلی، مورد تردید بودن روایی و اعتبار آزمون با سؤالات بسیار طولانی که دانش‌آموزان را روانه خیابان‌ها کرد و عدم ارتباط قوی بین مسئولین ستادی با مدارس را به دنبال دارد.

منابع

- احمدی، سعید. (۱۳۹۴). «بررسی رابطه بین هدایت تحصیلی نادرست و آفت تحصیلی دانش‌آموزان»، سومین کنفرانس ملی توسعه پایدار در علوم تربیتی و روانشناسی، مطالعات اجتماعی و فرهنگی، تحقیقات اسلامی سروش مرتضوی، مرکز راهکارهای دستیابی به توسعه پایدار، تهران.
- اسکندری، پروانه. (۱۳۹۶). «چالش‌های هدایت تحصیلی نوین و گذر از این چالش‌ها»، اولین کنفرانس ملی پژوهش‌های نوین ایران و جهان در روانشناسی و علوم تربیتی، حقوق و علوم اجتماعی، دانشگاه علمی کاربردی شوشتر، شیراز.
- اسماعیلی پور، خلیل. (۱۳۸۲). «بررسی میزان سهم ملاک‌های هدایت تحصیلی در پیش‌بینی موفقیت تحصیلی در بین فارغ‌التحصیلان دوره متوسطه استان آذربایجان غربی سال ۸۲-۸۱»، طرح پژوهشی، آموزش و پرورش آذربایجان غربی.
- اقبال، لیلیا. (۱۳۹۳). «آسیب‌شناسی فرآیند هدایت تحصیلی در مدارس و ارائه راهکارهای اصلاحی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران.
- ایزدی، علی اصغر. (۱۳۹۵). «هدایت تحصیلی؛ چرا و چگونه؟»، مجله رشد آموزش مشاوران مدرسه، دوره دوازدهم، شماره ۱، صص ۹-۷.
- زرافشان، علی. (۱۳۹۵). «هدایت تحصیلی، ضرورت‌ها و کارکردها»، مجله رشد مدیریت مدرسه، دوره پانزدهم، شماره ۲۵.
- زندوانیان، احمد؛ کرمدوست، نوروزعلی و ابوالقاسمی، محمود. (۱۳۸۵). «طراحی الگوی مناسب جهت هدایت تحصیلی دانش‌آموزان دوره متوسطه»، مجله روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران، شماره ۱ و ۲، صص ۹۹-۱۲۲.
- سینک، کریستوفر ای. (۲۰۰۵). مشاوره مدرسه در عصر حاضر: نظریه، پژوهش و کاربرد، ترجمه علی محمد نظری، علی اکبر سلیمانیان، (۱۳۸۶)، تهران، نشر علم.
- شکرکن، حسین؛ عطاری، یوسفعلی و فلاحتی، محمد علی. (۱۳۷۸). «مقایسه تحصیلی دانش‌آموزان پسر نظام جدیدترم ششم بر اساس اولویت‌های پنجگانه تعیین شده طبق برنامه هدایت تحصیلی»، مجله علوم تربیتی و روانشناسی، دوره سوم، شماره ۱ و ۲.

- صافی، احمد. (۱۳۶۵). آموزش و پرورش متوسطه در ایران، فصلنامه تعلیم و تربیت، سال دوم، شماره ۱.
- صافی، احمد. (۱۳۹۲). اصول و فنون راهنمایی در مشاوره در دوره‌های تحصیلی، تهران، انتشارات رشد.
- طالع زاری، ملیحه. (۱۳۹۵). «بررسی عوامل مؤثر بر هدایت تحصیلی و شغلی دانش‌آموزان نظام جدید متوسطه آموزش و پرورش شهرستان شاهرود»، دومین کنفرانس بین‌المللی مدیریت و فناوری اطلاعات و ارتباطات، شرکت خدمات برتر، تهران.
- عزیزی، نعمت‌الله. (۱۳۷۷). «ارتباط آموزش و توسعه اقتصادی و ضرورت بررسی روشها و راهکارهای نوین اتصال نظام آموزشی به بازار کار»، فصلنامه تعلیم و تربیت، سال چهاردهم، شماره ۵۵ و ۵۶، صص ۳۹-۵۸.
- عسگری، فرشته و عابدی، لطفعلی. (۱۳۹۷). «عوامل مؤثر بر هدایت تحصیلی در دانش‌آموزان دوره متوسطه دوم: مطالعه پدیدارشناسی»، سومین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های نوین در حوزه علوم تربیتی و روانشناسی و مطالعات اجتماعی ایران، مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی سروش حکمت مرتضوی، تهران.
- فولادی، عزت‌اله. (۱۳۹۵). «واکاوی سیر تحول و چالش‌های مشاوره در آموزش و پرورش ایران»، مجله پژوهش‌های مشاوره، جلد ۱۵، شماره ۵۷، صص ۱۴۹-۱۲۱.
- فولادی، عزت‌اله. (۱۳۹۲). «مشاوره در مدارس و سند تحول بنیادین». فصلنامه رشد مشاور مدرسه، شماره دوم، صص ۸-۳.
- قاضی، قاسم. (۱۳۷۸). زمینه مشاوره و راهنمایی، تهران، موسسه انتشاراتی و چاپ دانشگاه تهران.
- کیامنش، علیرضا و همکاران. (۱۳۷۳). ارزشیابی جامع از نظام جدید آموزش متوسطه، تهران، وزارت آموزش و پرورش، معاونت آموزش متوسطه.
- گیسون، رابرت لوئیس و میشل، ماریان. (۱۹۹۴). مبانی مشاوره و راهنمایی، ترجمه باقر ثنایی، (۱۳۷۶)، تهران، نشر بعثت.
- مریدی، علی. (۱۳۸۵). «بررسی میزان اثربخشی فرآیند مشاوره و هدایت تحصیلی بر انتخاب رشته دانش‌آموزان لرستان»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، لرستان.

- نسیمی، منیره. (۱۳۹۵). «هدایت تحصیلی و شغلی دانش‌آموزان در دوره متوسطه اول»، مجله رشد آموزش مشاور مدرسه، دوره ۱۲، شماره ۱، صص ۱۱-۱۰.
- نویدی، احد. (۱۳۹۶). «هدایت تحصیلی در نظام آموزش و پرورش ایران: تجارب عملی و چالش‌های پایدار»، فصلنامه تعلیم و تربیت، شماره ۱۳۳، صص ۳۴-۹.
- Berepiki, C. I. (1961). *An approach to guidance in the schools*. Lagos, Federal Ministry of Education.
- Bhattacharya, S. (1963). *Guidance in education*. New York, Asia Publishing Co.
- Davis, H. D. Noland, D. & Deato, N. (2001). *Novel approaches to college choice: A survey of postsecondary opportunities*. Annual Meeting of the Association Research, Retrieved from: www.state.tn.us/the/policyinit.html.
- Fafunwa, A. B. (1969) "The role of counseling and guidance in developing nations." *Careers?newsletter of the Nigerian Careers Council*, 1, 2-7.
- Germeijs, V., & Luyckx, K., Notelaers, G., & Goossens, L., & Verschueren, K. (2012). *Choosing a major in higher education: Profiles of students' decision-making process*. *Contemporary Educational Psychology*, 37(3):229-239.
- Gottfredson, G.D. (1997). "Career stability and redirection in adulthood". *Journal of applied psychology*, 62(4), 36-45.
- Hoffman, J.w. (1998). *Family and socialization of the child*. New York: Walleye. *investments: high school curriculum, college major, and careers*. *Annu. Rev. Econ.* 4, 185-223.
- Kelly, T. (1914). *Educational guidance*. New York, Teachers College, Columbia University.
- Kiilby, P. (1969). *Industrialization in an open economy*. Nigeria 1945-1966. Cambridge, University press.
- Oksuzoglu, M (2016). "Practice of Academic Guidance at High School Level: A Longitudinal Case Study". *Journal of Research in Educational Sciences*. 12(9), 30-39.
- Proctor, W. M. (1925). *Educational and vocational guidance*. Boston. Houghton-Mifflin.
- Sofolahan, H. O. (1972). *Consolidation of secondary education in Western Nigeria (unpublished manuscript)*.
- Strang, R., & Morris, G. (1964). *Guidance in the classroom*. New York, MacMillan.
- Ustun, N. (2007a). *Orientation in Postmodern Education*. Day Publications.
- Ustun, N. (2007b). *Postmodern Egitimde Yonlendirme*. Gunduz Basimevi.
- Willard, J. A., Bayes, B., and Martinez, J. (2015). *Gateway to college lessons from implementing a rigorous academic program for at-risk young people*. MDRC
- Yesilyaprak, B. (2007a). *Egitimde Rehberlik Hizmetleri*. Nobel Yayın Ltd. Sti
- Yesilyaprak, B. (2007b). *Guidance Services in Education*. Nobel Publishing Ltd. Sti.